



سینمای کمدی رخ خواهد داد و مخاطب بیشتری جذب خواهد شد. در این میان به نظر من، سینمای کمدی ایران نیازمند یک پوست‌اندازی عمیق است. هر ژانری برای ماندگاری باید خود را با روحیات مردم، تحولات جامعه و تغییرات زمان وفق دهد و اصلاحاتی انجام دهد تا با شکل جدیدی به مخاطب نزدیک شود. به باور من، سینمای کمدی پس از این باید بیش از پیش به قصه‌گویی و فیلمنامه قوی توجه کند؛ چرا که مخاطب امروز بیش از هر زمان دیگری قصه را می‌پسندد و اگر کمدی با قصه همراه شود، مخاطب را با خود همراه می‌کند.

از فعالیت‌های اخیر خود بگوئید...

سریال خجالت نکش که پیش‌تر پخش شد و فیلم جدیدی که اخیراً تکمیل کرده‌ام و به زودی برای پروانه نمایش ارائه می‌شود، در ژانر کمدی است و ساختاری متفاوت دارد. این فیلم بیشتر قصه‌محور است و تلاش کرده‌ایم که فیلمنامه‌ای قوی و داستانی جذاب داشته باشد.

امیر قادری،
منتقد سینما:

فیلم‌های بی کیفیت اعتماد مخاطب را سوزانند

به نظر می‌رسد یکی از مشکلات سینمای کمدی ایران این است که پس از موفقیت فیلم‌هایی مثل «فسیل»، دیگران صرفاً به تقلید از آن می‌پردازند و به اصل مهم کمدی یعنی غافلگیری و نوآوری توجه کافی ندارند. این موضوع چه تأثیری بر کیفیت و پویایی سینمای کمدی ما داشته است؟

ببینید تقلید در سینما، حتی با حضور بازیگران شناخته شده، پدیده‌ای تکراری و رایج است که در تاریخ سینمای جهان بارها رخ داده. موفقیت یک فیلم معمولاً باعث می‌شود مقلدان زیادی از آن الگو برداری کنند، به ویژه زمانی که اثر مورد استقبال جریان‌های انتقادی قرار می‌گیرد. این پدیده در سینمای آمریکا، هند، اروپا و سایر نقاط جهان هم دیده می‌شود. اما نکته مهم این است که فیلم‌های موفق، آثاری هستند که تعادلی دقیق بین بهره‌گیری از فرمول‌های موفق گذشته و نوآوری و ارائه نکات تازه برقرار می‌کنند. وقتی این تعادل رعایت نشود، فیلم‌ها نمی‌توانند فراتر از حد معینی موفق باشند و در نهایت شاهد رکود و تکرار مکررات خواهیم بود. برای دستیابی به موفقیت پایدار و زنده نگه داشتن سینمای کمدی، ضروری است که ضمن استفاده از تجربیات موفق، خلاقیت و تازگی نیز به آثار تزریق شود. تقلید صرفاً موفقیت محدود و کوتاه مدتی را به همراه خواهد داشت و نمی‌تواند سینمای کمدی را به جایگاه واقعی خود بازگرداند.

نیازمند آثار نوآورانه و متنوع‌تری است که بتواند نیازهای متغیر مخاطب امروز را پاسخ دهد.

در سینمای جهان، معمولاً فیلم‌های کمدی از ابتدا تا انتها صرفاً نمی‌خندانند، بلکه با فیلمنامه‌ای قوی، تعادل بین لحظات کمدی و جدی را حفظ می‌کنند. اما به نظر می‌رسد در سینمای ایران، این مفهوم چندان جا نیفتاده است. شما چه نظری دارید؟

درست است، اتفاقاً وقتی من پیش‌بینی فروش بالای فیلم «فسیل» را در هفته اول اکرانش کردم، دلیلش صرفاً وجود لحظات کمدی نبود. این فیلم گرچه لحظات طنز خوبی داشت، اما بیش از همه به دلیل ایده مرکزی قوی و پرداخت جدی به زندگی مردمی بود که در دوره‌های مختلف سیاسی، فرصت داشتن زندگی شخصی را از دست داده‌اند. این وجه اجتماعی فیلم بود که آن را از یک کمدی صرف، به اثری با بار عمیق‌تر تبدیل کرد و باعث شد مخاطب بتواند خودش را در آن ببیند و ارتباط برقرار کند. من هم از همان ابتدا نوشتم که این فیلم می‌تواند پر فروش‌ترین فیلم تاریخ سینمای ایران شود، نه به خاطر خنده‌های مکرر، بلکه به دلیل اینکه ایده مرکزی درست و ملموسی داشت که مخاطب به آن پاسخ داد. برای اینکه سینمای کمدی بتواند سد یخ‌زدگی و رکود را که سال‌هاست بر آن حاکم است بشکند، نیازمند چنین ایده‌های مرکزی و داستان‌های معناداری است که مخاطب بتواند در آن‌ها هویت و تجربه خودش را بیابد.

شوند. متأسفانه به دلیل آثار نامناسب کمدی در طول این چند سال، اعتماد تماشاگران به سینما کاهش یافته است. در این شرایط، سؤال مهم این است که چه فیلمی چه در ژانر اجتماعی و چه کمدی بتوانایی این را دارد که دوباره مردم را به سینما بکشاند و نظرشان را جلب کند.

با توجه به وضعیت کنونی، فکر می‌کنید که فیلم‌هایی مانند «پیرپسر» و «زن و بچه» می‌توانند نفس تازه‌ای به سینمای ایران بدهند و مخاطب را به سالن‌های سینما جذب کنند؟

نفس تازه دادن به سینما یک ضرورت است؛ اما این آثار باید توانایی جذب گسترده مخاطب را داشته باشند. اگر فیلم‌هایی مثل «زن و بچه» و «مرد عینکی» موفق به انجام این کار نشوند، به نظر من گزینه‌های دیگر زیادی برای آینده نزدیک وجود نخواهد داشت. در مورد «پیرپسر» هم باید بگویم، هرچند فیلم از نظر عبور از خطوط قرمز و پرداخت موضوعات کمتر دیده شده در سینمای ایران قابل توجه است و تماشاگر خاص خود را دارد، اما به دلیل تک بعدی بودنش نمی‌تواند فراتر از حدی مخاطب جذب کند و به یک فیلم جریان‌ساز تبدیل شود. این تحلیل را از همان زمان جشنواره داشتیم که «پیرپسر» فیلمی جریان‌ساز نیست، بلکه یک فیلم خوب و قابل احترام است. این فیلم بیشتر دارای لایه‌های سیاسی زیرمتنی است تا اجتماعی، بنابراین توانایی باز کردن درهای گسترده برای سینمای ایران را ندارد. فیلم‌هایی که جریان‌ساز بوده‌اند، مانند آثار اصغر فرهادی مثل «درباره‌الی» یا حتی برخی آثار سعید روستایی، توانسته‌اند گروه‌های مختلف مخاطب را جذب کنند و تصویر جامع‌تری از جامعه ارائه بدهند.

اما به نظر می‌رسد مردم اکنون به آخر خط این جریان‌ها رسیده‌اند و به دنبال فیلم‌هایی هستند که تصویر کامل‌تر و به‌روتری از جامعه و شرایط امروز ایران به خصوص در دهه ۱۴۰۰ ارائه دهند. به هر حال این انتظار هنوز برآورده نشده و سینما

با توجه به اینکه سینمای کمدی به مرحله‌ای رسیده که می‌توان گفت تقریباً اشباع شده و حتی دیگر مخاطب را نمی‌تواند بخنداند، در حالی که سینمای اجتماعی این روزها رونق گرفته، شما چه تحلیلی دارید؟ چرا سینمای کمدی به این وضعیت دچار شده و به نظر شما برای بهبود وضعیت این ژانر چه باید کرد؟

بعد از دیدن فیلم‌های جشنواره فیلم فجر امسال، به این نتیجه رسیدم که جریان‌های مختلف سینمای ایران در شرایط کنونی به نوعی بن‌بست رسیده‌اند و باید اتفاق خاصی بیفتد تا مردم دوباره به سینما برگردند. دفاقه قبل این اتفاق با فیلم «فسیل» رخ داد؛ فیلمی کمدی که توانست در بازگرداندن مخاطب به سالن‌های سینما نقش مهمی ایفا کند و به آثار کمدی بعدی نیز کمک کند. اما پس از آن، متأسفانه بیشتر فیلم‌های کمدی که اکران شدند، در موجی که فیلم «فسیل» ساخته بود، حرکت کردند و به نوعی همان فضا را دنبال کردند. البته فیلم‌هایی که ساخته شدند که به نظرم کیفیت قابل قبولی نداشتند؛ به خصوص فیلم «زودپز» که اثری بسیار ضعیف بود. من همان زمان اکران «زودپز» گفتم که اعتماد مخاطب نسبت به فیلم‌های کمدی در حال شکل‌گیری است و اگر این فیلم‌ها با کیفیت پایین عرضه شوند، این اعتماد از بین می‌رود. وقتی چنین فیلم‌هایی با کیفیت پایین به نمایش گذاشته شوند، مخاطب دیگر تمایلی به رفتن به سینما نخواهد داشت و اعتماد اولیه خنثی می‌شود.

جمع‌بندی این است که در جشنواره امسال وقتی فیلم‌های کمدی را دیدم، کاملاً معلوم بود امیدوی برای فروش سال آینده سینمای کمدی در آن‌ها دیده نمی‌شود. اما واقعیت این است که فیلم‌های کمدی وضعیت کلی مناسبی ندارد و این مسئله به تدریج در طول سال نیز ثابت شده است. از سوی دیگر، سینمای اجتماعی هم با برخی آثار خود مثل فیلم «پیرپسر» نتوانست آن تأثیر قابل توجه را داشته باشد که مخاطب را به سالن‌های سینما بازگرداند. کمدی‌هایی که اکران شدند، به دلیل کیفیت پایین، بیشتر باعث از بین رفتن اعتبار تماشاگر نسبت به سینمای کمدی شدند. به همین خاطر، اکنون نیازمند فیلمی هستیم که تماشاگر احساس نیاز واقعی به دیدنش داشته باشد، فیلمی که بخشی از دنیای امروز مخاطب باشد و او بتواند خود را در آن ببیند. همچنین، باید استانداردهای سینمایی بار دیگر ساخته و تقویت

